پسر نخستین خود را زایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود. لوقا ۲: ۷

خداوند به شکل انسان

ما به سادگی با درگیری‌ها و هیجانات ناشی از جشنی که در میانه زمستان برگزار می‌شود، چنان از دلیل اصلی آن دور می‌شویم که فراموش می‌کنیم این ذرق‌وبرق‌ها، خریدها و جذابیت‌های ظاهری، آخرین چیزی است که باید برای‌مان اهمیت داشته باشد! الهیات مربوط به کریسمس به راحتی در میان تزئینات درخت کریسمس و کادوهای کاغذپیچ شده زیر آن گم می‌شود در صورتی که این جشن در تقویم ما بدون مفهوم الهیاتی‌اش، حقیقتاً هیچ چیز ارزشمندی ندارد. ده‌ها سرود کریسمسی که از نظر الهیاتی صحیح هستند به این خاطر سروده شده‌اند که حقیقت عمیق و فوق‌العاده مجسم شدن خداوند در جسم بشری را زنده نگاه دارند ولی متاسفانه موسیقی‌های محبوب کریسمسی، خالی از هرگونه بار معنایی درست درباره این حقیقت هستند.

شاید به نظرتان عجیب باشد که افراد بسیاری برای کریسمس هیجان‌زده می‌شوند ولی تعداد بسیار کمی هستند که کنجکاو می‌شوند و درباره معنای واقعی آن تحقیق می‌کنند. من فکر می‌کنم علت وجود این پدیده عجیب، کاملاً هماهنگ با عادت تأسف‌باری است که انسان در خود پرورش داده است. این عادت که مسائل بسیار بی‌اهمیت و پیش‌پاافتاده را بزرگ می‌کند و مهم جلوه می‌دهد ولی در مقابل، موضوعات بسیار مهم و حیاتی را نادیده گرفته، بی‌اهمیت می‌انگارد.

وقتی پیام اصلی کریسمس را از صداها و مفاهیم اضافه و فرعی که توسط خود ما به آن اضافه شده است جدا می‌کنیم، پیامی نسبتاً ساده را خواهیم دید؛ خداوند به صورت انسان به زمین آمد و در میان ما ساکن شد!

## ای پدر آسمانی، لطفاً کمکم کن تا هرگز اهمیت لباس جسم پوشیدن تو در نظر من کم نشود و پیام اصلی کریسمس را فراموش نکنم. از تو سپاسگزارم که وقتی زمان به کمال رسید، یگانه فرزندت را فرستادی که به جای من بمیرد تا من بتوانم حیات ابدی را داشته باشم و آن را تجربه کنم. آمین

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*